

فصلنامه حسابداری سلامت، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۷)، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۰-۴۱.

بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر یونس بادآور نهندی^۱، وحید تقی‌زاده خانقاه^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۱

تاریخ اصلاح نهایی: ۱۳۹۳/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۱۴

چکیده

مقدمه: نگرانی ناشی از آثار روابط درازمدت حسابرس و صاحبکار بر استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی موجب تدوین مقرراتی مانند تغییر اجباری حسابرسان برای محدود کردن این روابط شده است اما در مورد افزایش روابط درازمدت و رفتارهای مدیریتی، نتایج متناقضی وجود دارد. از این رو، این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های دارویی است.

روش پژوهش: برای اندازه‌گیری مدیریت فعالیت‌های واقعی از سه شاخص اضافه تولید، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری شامل ۲۰ شرکت فعال در صنعت دارویی در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳ است. هم‌چنین، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و روش آن از نوع همبستگی و پس‌رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرس و شاخص‌های مدیریت فعالیت‌های واقعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین، رابطه بین دوره تصدی حسابرس با هزینه‌های تولید غیرعادی متفاوت از رابطه آن با هزینه‌های اختیاری غیرعادی است.

نتیجه‌گیری: تفسیر یافته‌ها بیانگر آن است که روابط درازمدت بین حسابرس و صاحبکار موجب ایجاد یک رابطه دوستی بین آن‌ها شده و استقلال حسابرس را کاهش می‌دهد. هم‌چنین، به نظر می‌رسد شدت این رابطه در شرکت‌هایی که از طریق اضافه تولید، فعالیت‌های خود را مدیریت می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که هزینه‌های اختیاری خود را مدیریت می‌کنند، بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی حسابرس، اضافه تولید، هزینه‌های اختیاری غیرعادی، جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی.

۱. استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲. کارشناس ارشد حسابداری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

* نویسنده مسئول؛ رایانامه: Vahid20t@yahoo.com

مقدمه

حسابرسی، شرکای مسئول کار حسابرسی و هر یک از اشخاص حقوقی مشمول دستورالعمل مذکور را از پذیرش حسابرسی و بازرسی قانونی یک شرکت به مدت بیش از چهار سال، منع کرده است. در سازمان حسابرسی نیز حداکثر مدت مجاز برای انجام یک کار حسابرسی به وسیله یک مدیر ۳ سال و به وسیله مدیر ارشد ۵ سال است. از سوی دیگر، مخالفان تغییر اجباری (۳-۴) شاید این دیدگاه را تأیید کنند اما آن‌ها اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. همچنین، آن‌ها استدلال می‌کنند، عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می‌کند. در این راستا، برادی و موسکوف (۳) نشان دادند که تغییر اجباری حسابرس، آن‌ها را در موقعیت برتری قرار می‌دهد تا در مقابل فشارهای مدیریت مقاومت کنند و در عین حال به حسابرسان اجازه می‌دهد قضاوت حرفه‌ای بی‌طرفانه‌تری را ارائه کنند (۵). افزون بر این، با طولانی‌شدن روابط حسابرس- صاحبکار و متعاقب آن کاهش استقلال حسابرس، ممکن است مدیران انگیزه بالایی برای مدیریت فعالیت‌های واقعی داشته باشند، به این دلیل که حسابرسان تهدیدی برای کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران نخواهند بود.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. تعیین این جایگاه نقش مهمی در موفقیت یا شکست این شرکت‌ها در بازارهای رقابتی این صنعت دارد. صنعت دارو از بخش‌های مهم در نظام سلامت کشور محسوب می‌شود و تخصیص بهینه

شکست شرکت‌های بزرگی همچون انرون و وردکام در ابتدای سال ۲۰۰۱ میلادی نگرانی‌های زیادی را درباره قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایجاد کرده است. مسئولیت تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است و حسابرسان نقش اعتباردهی به صورت‌های مالی را دارند. از آن جا که سؤال‌هایی درباره کیفیت و استقلال حسابرسان مستقل مطرح شده است، قانون‌گذاران و کمیته تدوین استانداردها تلاش کرده‌اند تا از طریق اجرای قوانینی برای اثربخشی استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. به‌عنوان نمونه، قانون ساربنز آکسلی در سال ۲۰۰۲ میلادی به‌طور مستقیم ارائه خدمات غیرحسابرسی به‌وسیله حسابرسان مستقل به صاحبکاران را محدود کرد (۱). نهادهای نظارتی همچون انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری و سازمان‌های ناظر حرفه نیز نگران روابط درازمدت حسابرس و صاحبکار هستند؛ زیرا، حسابرسان بعد از حضور درازمدت در کنار یک صاحبکار به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، انگیزه زیادی برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن‌ها را مخدوش می‌کند. به عقیده آن‌ها دوره تصدی درازمدت باعث ایجاد روابط عاطفی می‌شود تا حدی که احساس وظیفه‌شناسی یا وفاداری در حسابرسان را ایجاد می‌کند و به این ترتیب استقلال آن‌ها را به خطر می‌اندازد (۲). در این راستا، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸، مؤسسه‌های

منابع در این بخش موجب موفقیت نظام سلامت کشور خواهد شد. لذا، این پژوهش درصدد شناسایی عوامل مؤثر در هدایت بهینه منابع به سمت این صنعت برآمده است. از این رو، این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سازمان حسابرِس، بورس اوراق بهادار تهران، سهام‌داران، مدیران و اعضای هیأت‌مدیره شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و تحلیل‌گران مالی بازار سرمایه قرار گیرد. همچنین، بیش‌تر پژوهش‌ها به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و مدیریت ارقام تعهدی پرداخته‌اند (۹-۶) و نقش دوره تصدی حسابرِس در مدیریت فعالیت‌های واقعی مشخص نیست. با توجه به این که کشف و محدود کردن مدیریت فعالیت‌های واقعی دشوار است؛ همچنین، به دلیل اهمیت مدیریت سود واقعی، پژوهش حاضر درصدد آن است که شکاف به وجود آمده در پژوهش‌های گذشته را با بررسی تأثیر مستقیم دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت سود واقعی پر کند. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. آیا بین مدیریت سود واقعی (مدیریت فعالیت‌های واقعی) و دوره تصدی حسابرِس در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین شاخص‌های مدیریت سود واقعی (مدیریت فعالیت‌های واقعی) و دوره تصدی حسابرِس در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری پژوهش

طرفداران تغییر اجباری حسابرِس معتقدند که تغییر

حسابرِس نگاه تازه‌ای در صورت‌های مالی ایجاد می‌کند. آن‌ها ادعا می‌کنند، حسابرسانی که روابط درازمدت با شرکت دارند، توانایی کمی در حفظ بی‌طرفی هنگام بررسی اظهارات صاحبکار دارند و به‌احتمال زیاد خطاهای کشف‌نشده‌ای در صورت‌های مالی وجود دارد که به لحاظ روابط دوستانه، حسابرسان از آن چشم‌پوشی خواهند کرد. نبود عینیت در بررسی صورت‌های مالی به دلایل زیادی رخ می‌دهد. نخست، استدلال شده است که در طول زمان، حسابرِس اقداماتی را در حمایت از مدیریت انجام می‌دهد. در نتیجه، به جای بررسی اظهارات مدیریت با نگرش تردید حرفه‌ای، به‌منظور طرفداری از مدیریت عمل می‌کند. ممکن است در طول زمان نیز حسابرسان در قضاوت راجع به شواهد جدید و شناخت از تغییر وضعیت جدید، موفق عمل نکنند. این رفتار می‌تواند منجر به شکست حسابرسان در بررسی صورت‌های مالی شرکت شود. سرانجام، این گروه عقیده دارند که توانایی حفظ صاحبکار، در حسابرِس انگیزه زیادی را برای حل و فصل اختلافات به نفع صاحبکار ایجاد می‌کند. در غیر این صورت ممکن است منجر به از دست دادن صاحبکار شود (۶).

طرفداران تغییر اجباری استدلال می‌کنند، هنگامی که انگیزه حسابرسان به سمت حفظ صاحبکار و کسب سود از محل حسابرسی آن گرایش پیدا کند، موضوع «مزایای خاص صاحبکار» که فقط در طی زمان برای حسابرِس ایجاد می‌شود، ممکن است باعث ایجاد وابستگی مالی حسابرِس به صاحبکار شده و این موضوع موجب کاهش استقلال حسابرِس شود. همچنین، افزایش طول دوره تصدی حسابرِس ممکن است باعث ایجاد حس «خودباوری شناختی» در

حسابرسی کاهش می‌یابد. در این راستا، کمیته مسئولیت حسابرسی و کارگروه ملی گزارشگری مالی متقالبانه در آمریکا، شواهد جدیدی را از افزایش نرخ حسابرسی نامناسب با تغییر حسابرسان کشف کرد (۶). هم‌چنین، گیگر و راگوناندان نشان دادند که در سال‌های اولیه حسابرسی، گزارش‌های حسابرسی، کارایی کم‌تری نسبت به سال‌های بعد دارد (۱۱).

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که کشف مدیریت فعالیت‌های واقعی سخت‌تر از مدیریت اقلام تعهدی اختیاری است؛ زیرا، مدیریت سود واقعی به عنوان تصمیم‌های عادی عملیاتی شرکت انجام می‌شود (۱۳-۱۲). گراهام و همکاران بیان می‌کنند که اگر چه حسابرسان می‌توانند شیوه‌های حسابداری یک شرکت را حدس بزنند اما نمی‌توانند اقدامات واقعی اقتصادی در دوره عادی تجاری را برای دستیابی به سود مورد نظر کشف کنند (۱۴). به‌طور طبیعی، بعد از تصویب قانون ساربنز آکسلی مدیران از مدیریت سودهای گزارش شده به مدیریت فعالیت‌های عملیاتی شرکت تغییر رویکرد می‌دهند؛ زیرا، گزارش‌های مالی به‌وسیله حسابرسان و قانون‌گذاران به‌طور دقیق بررسی می‌شود (۱۵). افزون بر این، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری به‌طور مستقیم پیامدی بر جریان‌های نقدی ندارد اما فعالیت‌های عملیاتی برای دستیابی به سود دلخواه، انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر، فعالیت‌های عملیاتی، ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا، مدیریت فعالیت‌های واقعی شامل انحراف از شیوه‌های عادی واحد تجاری است (۱۴-۱۲). در این راستا، روی‌چادهری بیان می‌کند که مدیریت فعالیت‌های واقعی می‌تواند ارزش شرکت را کاهش دهد؛ زیرا، اقدامات انجام شده در دوره جاری برای

حسابرس نسبت به صاحبکار شده و حسابرسان به جای ارزیابی و بررسی موارد ادعا شده در صورت‌های مالی به‌وسیله مدیریت به پیش‌بینی نتایج ارزیابی پرداخته و از روش‌های رسیدگی عادی و تکراری ناکارآمد استفاده کنند. افزون بر این، دوره درازمدت تصدی حسابرس ممکن است منجر به روابط نزدیک و دوستانه بین حسابرس و مدیریت صاحبکار شود، به نحوی که باعث وابستگی روحی و در عمل منجر به تعارض منافع برای حسابرس شده و استقلال حرفه‌ای حسابرس را مخدوش کند (۱۰). نتایج کاهش استقلال حسابرس در دوره تصدی درازمدت شامل افزایش احتمال کنار آمدن حسابرسان با تمایل مدیریت برای پذیرفتن شیوه‌های خاص گزارشگری آن‌ها و یا احتمال تبانی بین حسابرس و مدیریت است (۹).

مخالفان تغییر اجباری حسابرس بیان می‌کنند که این رویکرد هزینه‌های زیادی را بر شرکت تحمیل می‌کند. آن‌ها بیان می‌کنند که تغییر حسابرس منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسی شده و منافع قابل‌توجهی برای شرکت ندارد. تغییر حسابرس، هزینه‌های حسابرسی برای سال‌های اولیه حسابرسی را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، هزینه‌های کل حسابرسی بالا می‌رود. این هزینه به‌منظور حفظ سودآوری به شرکت تحمیل می‌شود و در نتیجه بروز چنین هزینه‌ای موجب افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. شناخت حسابرسان از عملیات و نظام‌های اطلاعاتی برای درک و شناسایی منابع خطر حسابرسی و انجام مؤثر حسابرسی مهم است. درک حسابرسان از رویدادهای صاحبکار، دوره تصدی آن‌ها را افزایش می‌دهد. تغییر اجباری، دوره تصدی حسابرس و درک حسابرسان از خطر صاحبکار را کاهش داده و متعاقب آن کیفیت

افزایش سود می‌تواند تأثیر منفی بر جریان‌های نقدی در آینده داشته باشد (۱۶). کوهن و همکاران نیز مدیریت ارقام تعهدی و فعالیت‌های واقعی را قبل و پس از قانون سارینز آکسلی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که سطح مدیریت سود واقعی بعد از تصویب قانون سارینز آکسلی افزایش یافته است در حالی که سطح مدیریت ارقام تعهدی در دوره مشابه کاهش یافته است. همچنین، نتایج پژوهش کوهن و همکاران بیانگر این بود که احتمال دارد شرکت‌ها از مدیریت سود واقعی به مدیریت ارقام تعهدی تغییر رویکرد دهند. به این ترتیب، شناسایی و محدود کردن مدیریت فعالیت‌های واقعی سخت‌تر است. گرایش به استفاده از روش فعالیت‌های واقعی برای اعمال مدیریت سود، چالشی مهم در شیوه‌های حاکمیت شرکتی به وجود آورده و نگرانی‌های اخلاقی را در رفتارهای مدیریتی افزایش داده است (۱۵). افزون بر این، گراهام و همکاران شواهدی را ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد مدیران مشتاق استفاده از فعالیت‌های عملیاتی برای دستیابی به سود مورد نظر هستند حتی اگر این مدیریت، ارزش شرکت را کاهش دهد. به عنوان نمونه، ۸۰ درصد مدیران افشا می‌کنند که هزینه‌های اختیاری را برای دستیابی به هدف‌های سود کاهش می‌دهند در حالی که ۵۵ درصد آن‌ها به صراحت بیان می‌کنند که طرح‌های جدید را کنار می‌گذارند، حتی اگر این طرح‌ها، کاهش ارزش شرکت را با تأخیر مواجه کند (۱۴).

در این مطالعه مطابق با پژوهش‌های پیشین (۱۶) به مدیریت سود واقعی به عنوان مدیریت فعالیت‌های واقعی اشاره شده است که به معنای انحراف از

شیوه‌های عادی تجاری با هدف اصلی متورم ساختن سود در کوتاه‌مدت است. به عنوان نمونه، روش‌های مدیریت سود شامل سرمایه‌گذاری در طرح‌های کوتاه‌مدت (نزدیک‌بینی در سرمایه‌گذاری)، اضافه تولید و کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته است اما موضوع تنها به این موارد محدود نمی‌شود.

مطالعات متعددی نشان‌دهنده اعمال مدیریت سود واقعی در شرکت‌های بررسی شده‌ای است که به احتمال زیاد درگیر راهبرد مدیریت سود هستند. برخی بر رویدادهایی تمرکز کرده‌اند که مدیران با استفاده از آن انگیزه قوی برای مدیریت سودهای گزارش شده، دارند. به عنوان نمونه، دجو و اسلوان نشان دادند که مدیران ارشد، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه را در طول دوره بازنشستگی خود کاهش می‌دهند (۱۷). همچنین، کوهن و زاروین معتقدند که شرکت‌ها، فعالیت‌های واقعی را برای متورم ساختن سودها در سال‌های اولیه انتشار سهام مدیریت می‌کنند (۱۸). هم‌چنین، روی چادهری (۱۶)، بابر و همکاران (۱۹) و بوشی (۲۰) معتقدند که مدیران به منظور دستیابی به سودهای مطمئن، فعالیت‌های واقعی را مدیریت می‌کنند. سرانجام، نتایج پژوهش گراهام و همکاران نشان می‌دهد که مدیران به طور کلی تمایل به کاهش مخارج اختیاری یا مخارج سرمایه‌ای برای دستیابی به هدف سود دارند (۱۴).

این که آیا مدیریت سود واقعی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش یا کاهش می‌دهد هنوز مسئله‌ای بحث‌برانگیز است. بارتو بیان می‌کند که مدیران، فعالیت‌های واقعی مانند زمان فروش دارایی‌های غیرجاری را برای اجتناب از نقض قراردادهای بدهی تغییر می‌دهند و این موضوع یک

کیم و همکاران تأثیر پدیده تغییر حسابر س بر مدیریت سود را در بازار کشور کره جنوبی مورد بررسی قرار دادند. در این کشور برای شرکت‌هایی که انتظار می‌رود انگیزه بالایی برای مدیریت سود دارند، حسابرسان خاصی به وسیله مقامات قانونی انتخاب می‌شوند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که میزان ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت‌هایی که ملزم به تغییر حسابر س شدند نسبت به سایر شرکت‌ها پایین‌تر است. از سوی دیگر، میزان ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت‌هایی که مجبور به تغییر حسابر س شدند نسبت به شرکت‌هایی که داوطلبانه حسابر س خود را تغییر دادند، پایین‌تر است. افزون بر این، یافته‌های کیم و همکاران مهر تأییدی بر این دیدگاه است که تغییر حسابر س، کیفیت حسابرسی و سرانجام اتکاپذیری گزارشگری مالی را بالا می‌برد (۸).

چنین و پیوت معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد؛ زیرا، صورت‌های مالی حسابرسی شده دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری است. ارقام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که ارقام تعهدی بیشتری دارند نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، به احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند؛ زیرا، مؤسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند (۲۴).

چی و هوانگ به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابر س بر کیفیت سود شرکت‌های تایوانی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در سال‌های

مزیت بالقوه از مدیریت سود واقعی برای سهامداران ایجاد می‌کند. با این وجود، مدیریت سود واقعی احتمالاً مستلزم هزینه‌های قابل توجهی برای سهامداران است (۲۱). در این راستا، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی ناشی از تضاد منافع به مدیران اجازه می‌دهد تا در راستای منافع خود، ارزش سهام سهامداران را کاهش داده و سودها را برای جبران درآمد (۷ و ۲۲) یا افت قیمت سهام (۲۳) افزایش دهند؛ حتی در صورت نبود چنین تضادی، مدیریت سود واقعی موجب کاهش ارزش سهام سهامداران می‌شود؛ زیرا، مدیریت فعالیت‌های واقعی جریان‌های نقدی درازمدت را از بین می‌برد. به عنوان نمونه، روی چادهری (۱۶) و بوشی (۲۰) رابطه‌ای منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود واقعی مشاهده کردند تا حدی که سرمایه‌گذاران مطلع بر منافع درازمدت تمرکز می‌کنند. افزون بر این، یافته‌های آنان نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی به احتمال زیاد برای ارزش شرکت زیان‌آور است. بنابراین، در این پژوهش مدیریت سود واقعی به عنوان یک رفتار پرهزینه تلقی می‌شود که اخلال در ارزش درازمدت شرکت را به دنبال دارد.

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش میرز و همکاران نشان می‌دهد که با طولانی‌شدن مدت همکاری بین حسابر س و صاحبکار، پراکندگی در توزیع ارقام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، روابط درازمدت می‌تواند به اعمال قدرت از سوی حسابرسان منجر شود تا به این وسیله دستکاری ارقام تعهدی به وسیله مدیریت کاهش یابد (۴).

اولیه حضور حسابرسان، کیفیت سود شرکت‌های تایوانی افزایش می‌یابد اما با طولانی‌تر شدن دوره تصدی حسابرس کیفیت این سودها کاهش می‌یابد. چی و هوانگ، هم‌چنین، بیان کردند که این تأثیر منفی برای شرکت‌هایی که به وسیله ۵ مؤسسه بزرگ حسابرسی، حسابرسی نمی‌شوند بیشتر است (۹).

کارامانیس و لینوکس به بررسی تأثیر تلاش حسابرسان بر مدیریت سود با استفاده از ساعات کار ۹۷۳۸ حسابرس مشغول به کار در کشور یونان در بازه زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنان سه یافته مهم را بیان می‌کند: ۱. زمانی که ساعات کار حسابرسی کم است شرکت‌ها به احتمال زیاد افزایش سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری را به کاهش سود از طریق همان اقلام ترجیح می‌دهند. ۲. میزان افزایش در سود از طریق مدیریت اقلام تعهدی اختیاری به‌طور معکوسی با ساعات کار حسابرسی رابطه دارد. ۳. شرکت‌ها به احتمال زیاد سودها را در راستای پیشبرد هدف‌های خود بیش از حد نشان می‌دهند. این نتایج با این ادعا که مدیران به‌طور گستاخانه، سودها را گزارش می‌کنند، سازگار است (۲۵).

دیویس و همکاران به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود از طریق مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. آنان با بررسی نمونه‌ای متشکل از ۸۵۵ شرکت در بازه زمانی ۱۹۸۸-۱۹۸۱ نشان دادند که رابطه مثبتی بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری وجود دارد. هم‌چنین، نتایج پژوهش دیویس و همکاران نشان داد که با حضور درازمدت حسابرس در شرکت مورد رسیدگی، انعطاف‌پذیری مدیریت در گزارشگری سود افزایش می‌یابد (۶).

چین و هو رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود را در ۵۰۲۹ شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که حضور درازمدت حسابرسان موجب از دست رفتن استقلال آن‌ها شده و ممکن است نوعی رابطه دوستی بین حسابرسان و صاحبکاران شکل گیرد. در نتیجه، با افزایش دوره تصدی حسابرسان، مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد (۷).

سانیات و همکاران تأثیر دوره تصدی و اندازه حسابرس بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عمان را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که دوره تصدی حسابرس به‌طور منفی کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این معنا که با طولانی‌شدن دوره تصدی حسابرس به علت افزایش مدیریت سود، کیفیت حسابرسی به سطح پایینی کاهش می‌یابد، در حالی که اندازه حسابرس تأثیری بر رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی ندارد (۲۶).

تیس‌پریدو و اسپاسیس به بررسی رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس آتن در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۵ پرداختند. آنان برای اندازه‌گیری مدیریت سود از الگوی جونز و برای اندازه‌گیری گزارشگری حسابرس از شاخص اندازه حسابرس و نوع اظهارنظر (مقبول و مشروط) استفاده کردند. نتایج پژوهش تیس‌پریدو و اسپاسیس نشان داد که اندازه حسابرس، سطح اقلام تعهدی اختیاری را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و اظهارنظر مشروط حسابرس در واکنش به رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت صادر نمی‌شود (۲۷).

غيرمؤثر در كميته حسابرسى با افزايش هزينه‌هاى توليد همراه است. يافته‌هاى پژوهش سان و همكاران در مجموع نشان داد كه اشتغال غيرمؤثر اعضا در كميته حسابرسى نظارت مؤثر بر شركت را دچار اخلاق مى‌كند (۳۰).

كرمى و همكاران به بررسى رابطه بين دوره تصدى و مديريت سود در ۱۳۳ شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانى ۱۳۸۵-۱۳۷۹ پرداختند. نتايج پژوهش آنان نشان داد كه رابطه طولانى بين صاحبكار و حسابرس باعث افزايش انعطاف پذيرى مديريت در استفاده از اقلام تعهدى اختيارى مى‌شود. به عبارت ديگر، صاحبكاران از انعطاف پذيرى به وجود آمده به منظور گزارش محافظه كارانه تر سود استفاده مى‌كنند (۳۱).

نمازى و همكاران به بررسى رابطه بين كيفيت حسابرسى و مديريت سود در شركت‌هاى پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتايج پژوهش آنان نشان داد كه بين مديريت سود و اندازه حسابرس رابطه مثبت اما غيرمعنادار وجود دارد. هم‌چنين، بين مديريت سود و دوره تصدى حسابرس رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (۳۲).

بزرگ اصل و شايسته‌مند رابطه بين دوره تصدى حسابرس و مديريت سود را مورد بررسى قرار دادند. نمونه پژوهش آنان شامل ۱۰۹ شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانى ۱۳۸۶-۱۳۸۲، بود. نتايج پژوهش بزرگ اصل و شايسته‌مند حاكي از وجود رابطه مستقيم و معنادار بين مدت تصدى حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدى اختيارى بود اما بين مدت تصدى حسابرس و اقلام تعهدى اختيارى علامت‌دار رابطه‌اى مشاهده نشد. در مجموع، يافته‌هاى

ليو و همكاران تأثير دوره تصدى حسابرس بر مديريت سود در سطوح مختلف حاكميت شركتى را مورد بررسى قرار دادند. نتايج پژوهش آنان نشان داد كه بين حاكميت شركتى و مديريت سود رابطه منفى وجود دارد. هم‌چنين، نتايج پژوهش ليو و همكاران نشان داد كه در شركت‌هاى با سطوح بالايى از حاكميت شركتى، بين دوره تصدى حسابرس و مديريت سود رابطه منفى دارد، در حالى كه در شركت‌هاى با سطوح پايين حاكميت شركتى بين دوره تصدى حسابرس و مديريت سود رابطه مثبت برقرار است (۲۸).

دياز و همكاران تأثير دوره تصدى حسابرس بر كيفيت حسابرسى را در كشور اسپانيا با انتخاب تعداد ۲۵۴ شركت دولتى در بازه زمانى ۲۰۱۰-۲۰۰۳ بررسى كردند. يافته‌هاى پژوهش آنان نشان داد كه دوره تصدى حسابرس بر كيفيت حسابرسى تأثير منفى و معنادارى دارد. به اين ترتيب كه با افزايش دوره تصدى حسابرس كيفيت حسابرسى کاهش مى‌يابد، به طورى كه پايين بودن كيفيت حسابرسى تا سال ششم رابطه بين حسابرس و صاحبكار، مشخص نيست (۲۹).

سان و همكاران رابطه بين استقلال و ويژگى‌هاى كميته حسابرسى را با مديريت سود واقعى در شركت‌هاى آمريكايى مورد بررسى قرار دادند. آنان براى اندازه‌گيرى مديريت سود واقعى از سه شاخص جريان‌هاى نقد عملياتى غيرعادى، هزينه‌هاى اختيارى غيرعادى و اضافه توليد استفاده كردند. شواهد پژوهش سان و همكاران نشان داد كه زيادبودن تعداد اعضاى كميته حسابرسى با پايين بودن جريان‌هاى نقد عملياتى و هزينه‌هاى اختيارى رابطه دارد. هم‌چنين، نتايج پژوهش آنان نشان داد كه وجود اعضاى

بررسی ۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۱ نشان داد هنگامی که حسابرِس متخصص نیست با افزایش دوره تصدی میزان اقلام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می‌یابد. در حالی که چنانچه حسابرِس متخصص باشد با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش می‌یابد. این نتایج بیانگر این است که روابط درازمدت حسابرِس و صاحبکار در صورتی که حسابرِس متخصص باشد، نگران‌کننده نخواهد بود (۳۶).

فرضیه‌های پژوهش

مدیران می‌توانند سودها را از طریق انتخاب روش‌های حسابداری (مدیریت اقلام تعهدی) یا از طریق درگیر شدن در فعالیت‌های واقعی (مدیریت سود واقعی) با قصد گمراه کردن سهامداران در مورد وضعیت اقتصادی شرکت، مدیریت کنند. این پژوهش مطرح می‌کند که به‌طور میانگین، فعالیت‌های عملیاتی برای دستیابی به هدف‌های سود انجام می‌شود و به احتمال زیاد اقدام به این رویکرد با افزایش روابط درازمدت حسابرِس با صاحبکار تشدید می‌شود. مطابق با نظریه نمایندگی، مدیران به احتمال زیاد از تصمیم‌های عادی شرکت برای دستیابی به سودهای مطلوب منحرف می‌شوند، بویژه زمانی که آنان مزایای ویژه‌ای از این فعالیت‌ها بدست آورند. به همین دلیل، پیش‌بینی می‌شود که رابطه‌ای مثبت بین دوره تصدی حسابرِس و مدیریت سود واقعی وجود داشته باشد. در این مطالعه، با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده، فرضیه‌ها به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

پژوهش آنان مبین این است که با افزایش مدت تصدی حسابرِس، احتمال مدیریت سود، هم در راستای کاهش و هم در راستای افزایش سود، بیشتر شده و مدیریت سود وابسته به انگیزه‌های خاص مدیریت است (۳۳).

عزیزخانی و صفروندی تأثیر طول دوره تصدی حسابرِس بر خطای سود پیش‌بینی شده را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرِس، میزان دقت سودهای پیش‌بینی شده مدیریت، افزایش (خطای پیش‌بینی کمتر) و پس از آن، کاهش (خطای پیش‌بینی افزایش) می‌یابد. این نتایج با فرضیه تخصص حسابرِس که گویای افزایش کیفیت حسابرِس در سال‌های اولیه دوره تصدی به دلیل افزایش شناخت حسابرِس از صاحبکار و فرضیه استقلال حسابرِس که گویای کاهش در کیفیت حسابرِس در سال‌های بعدی طول دوره تصدی است، مطابقت دارد (۳۴).

کاشانی‌پور و همکاران رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. آنان تعداد ۲۶۰ سال-شرکت را در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۵ بررسی کردند. نتایج پژوهش کاشانی‌پور و همکاران نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابرِس در شرکت‌های مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۳۵). علوی‌طبری و بذرافشان به بررسی تأثیر تخصص حسابرِس در صنعت بر رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت سود پرداختند. نتایج حاصل از

استفاده از این روش، نوع و ماهیت داده‌ها است، زیرا در تحلیل ترکیبی، داده‌ها به صورت مقطعی - زمانی گردآوری شده و می‌توان کاستی‌های موجود در هر یک از الگوهای سری زمانی و داده‌های مقطعی را کاهش داد. در الگوهای سری زمانی معمولاً مشکل خود همبستگی و در آمارهای مقطعی مشکل ناهمسانی واریانس نیز وجود دارد. در تحلیل ترکیبی با تلفیق این دو گروه اطلاعات، تعداد مشاهده‌ها و درجه آزادی افزایش یافته و مشکل هم‌راستایی بین متغیرهای توضیحی کمتر می‌شود؛ در نتیجه، کارایی تخمین اقتصادسنجی افزایش می‌یابد. هم‌چنین، در این پژوهش از روش اثرات ثابت برای برآورد الگو استفاده شده است. روش اثرات ثابت فرض می‌کند که اختلاف بین مقطع‌ها می‌تواند تفاوت‌های دوره ثابت را نیز در برگیرد.

جامعه و نمونه آماری

در این مطالعه، کلیه شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. نمونه آماری شامل شرکت‌هایی است که در برگیرنده شرایط زیر باشد:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

۲. شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۳، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۳. شرکت‌ها در طی سال‌های پژوهش وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشند.

با توجه به شرایط بالا و حذف شرکت‌هایی که داده‌های مورد نیاز برای آن‌ها در دسترس نبود،

فرضیه اصلی: بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین دوره تصدی حسابرس و هزینه‌های تولید غیرعادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین دوره تصدی حسابرس و هزینه‌های اختیاری غیرعادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین دوره تصدی حسابرس و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت فعالیت‌های واقعی شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳ پرداخته است. بنابراین، این پژوهش از نوع همبستگی و روش‌شناسی آن از نوع پس‌رویدادی است. هم‌چنین، با توجه به این که نتایج بدست آمده از این پژوهش به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی است (۳۷-۳۸). برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون استفاده شده است که برای مشخص کردن تأثیر عوامل بر یکدیگر، بکار برده می‌شود. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۱۰ و با نرم‌افزار Eviews نسخه ۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای بررسی و برآورد کلی از تحلیل ترکیبی استفاده شده است. دلیل

سرانجام تعداد ۲۰ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

متغیرهای پژوهش
متغیر مستقل

دوره تصدی حسابرِس: به منظور اندازه‌گیری صحیح دوره تصدی، باید سالی در دسترس باشد که در آن حسابرِس ارائه خدمات حسابرِس جدید را می‌پذیرد. تعیین این تاریخ برای شرکت‌های که طی دوره زمانی پژوهش، حسابرِس خود را تغییر داده‌اند، مشکل نیست اما برای شرکت‌های که در کل طول دوره پژوهش از خدمات یک حسابرِس استفاده کرده‌اند، تعیین سال اول شروع کار حسابرِس با توجه به اطلاعات در دسترس، ممکن نیست (۳۴). به این دلیل برای حداقل کردن آثار هر گونه خطای اندازه‌گیری، مبنای سال اندازه‌گیری دوره تصدی از ۲ سال قبل از شروع دوره پژوهش در نظر گرفته می‌شود.

متغیر وابسته

مدیریت سود واقعی: مطابق پژوهش‌های پیشین (۱۳، ۱۶-۱۵ و ۱۸) برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی از سه شاخص اضافه تولید، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی استفاده می‌شود. به این منظور ابتدا به کمک پژوهش‌های گذشته، سه رابطه برای برآورد سطح عادی معیارهای بالا انتخاب شد. رابطه‌های مورد نظر در ادامه آمده است.

رابطه برآورد هزینه‌های تولید: با پیروی از پژوهش‌های کوهن و همکاران (۱۵)، روی‌چادهری (۱۶) و کوهن و زاروین (۱۸) در این پژوهش سطح

عادی هزینه‌های تولید با بکارگیری رابطه زیر برآورد شده است:

رابطه (۱)

$$\text{Prodcost}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} = K_1/\text{Asset}_{i,t-1} + K_2 \times \text{Rev}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + K_3 \times \Delta\text{Rev}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + K_4 \times \Delta\text{Rev}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$\text{Prodcost}_{i,t}$: جمع بهای تمام شده کالای

فروش‌رفته و اختلاف موجودی اول و پایان دوره

$\text{Asset}_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های شرکت در پایان

دوره t-1

$\text{Rev}_{i,t}$: فروش خالص شرکت در سال t

$\Delta\text{Rev}_{i,t}$: فروش خالص سال t منهای فروش

خالص سال t-1

رابطه برآورد هزینه‌های اختیاری (با تمرکز بر هزینه‌های فروش، عمومی و اداری): به منظور اندازه‌گیری مدیریت هزینه‌های اختیاری، هزینه‌های فروش، عمومی و اداری مدنظر قرار گرفته است؛ زیرا، دربرگیرنده بسیاری از هزینه‌های اختیاری از جمله هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات، هزینه‌های بازاریابی، هزینه اجاره، کمیسیون‌ها و هزینه‌های مهندسی است. با پیروی از الگوی روی‌چادهری (۱۶) در این پژوهش سطح عادی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری با بکارگیری رابطه زیر برآورد شده است:

رابطه (۲)

$$\text{DisExp}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} = K_1 \times 1/\text{Asset}_{i,t-1} + K_2 \times \text{Rev}_{i,t-1}/\text{Asset}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$\text{DisExp}_{i,t}$: هزینه‌های فروش، عمومی و اداری

$\text{Asset}_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های شرکت در پایان دوره

t-1

$\text{Rev}_{i,t-1}$: فروش خالص سال t-1

کنترلی زیر برای بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر مدیریت سود واقعی مورد استفاده قرار گرفته است: $Size_{i,t}$ (اندازه): لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های ابتدای سال

$MBV_{i,t}$ (فرصت‌های رشد): نسبت ارزش بازار بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

$Lev_{i,t}$ (اهرم مالی شرکت): نسبت جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها

$CFO_{i,t}$ (جریان‌های نقد عملیاتی): نسبت جریان‌های نقد حاصل از عملیات بر جمع دارایی‌های ابتدای سال

$OC_{i,t}$ (چرخه عملیاتی): لگاریتم [مطالبات ÷ فروش] + (موجودی کالا ÷ بهای تمام شده کالای فروش رفته) $\times 360$

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱، آماره توصیفی محاسبه شده شامل میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی را برای سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۱ نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مشخص شده در این جدول، میانگین ۰/۱۸۵ برای متغیر هزینه‌های تولید غیرعادی حاکی از آن است که به‌طور میانگین تولیدات شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به اندازه ۱۸/۵ درصد دارایی‌های دوره جاری از سطح تولید مورد انتظار انحراف دارند. انحراف معیار این متغیر برابر با ۰/۲۲۱ بوده و بیشترین پراکندگی را در بین سایر شاخص‌های مدیریت سود واقعی دارد. سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری با میانگین ۰/۰۳۰ و انحراف معیار ۰/۰۳۶ کم‌ترین

رابطه برآورد جریان‌های نقدی عملیاتی: با پیروی از الگوی کوهن و همکاران (۱۵)، روی چادهری (۱۶) و کوهن و زاروین (۱۸) در این پژوهش، سطح عادی جریان‌های نقدی عملیاتی با بکارگیری رابطه زیر برآورد شده است: رابطه (۳)

$$CFO_{i,t}/Asset_{i,t-1} = K_1 \times 1/Asset_{i,t-1} + K_2 \times Rev_{i,t}/Asset_{i,t-1} + K_3 \times \Delta Rev_{i,t}/Asset_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$CFO_{i,t}$: جریان‌های نقدی عملیاتی در سال t
 $Asset_{i,t-1}$: جمع دارایی‌های شرکت در پایان دوره $t-1$

$Rev_{i,t}$: فروش خالص شرکت در سال t
 $\Delta Rev_{i,t}$: فروش خالص سال t منهای فروش خالص سال $t-1$

سطح غیرعادی (تفاوت مقدار برآوردی با مقدار واقعی) در هر یک از رابطه‌های بالا، نشان‌دهنده مدیریت فعالیت‌های واقعی است. به این صورت که در رابطه‌های بالا ابتدا برای هر سال - صنعت یک رگرسیون تدوین شده است؛ سپس، ضرایب رگرسیونی حاصل در همان رابطه قرار داده شده و مقدار معادله محاسبه شده است. این مقدار برآوردی، سطح عادی را برای هر سال-شرکت در صنعت دارویی نشان می‌دهد. سرانجام، با محاسبه تفاوت مقدار واقعی با مقدار برآوردی (سطح عادی)، سطح غیرعادی به دست می‌آید که قدر مطلق آن، مدیریت سود واقعی را نشان می‌دهد.

متغیرهای کنترلی

مطابق پژوهش‌های پیشین (۱۳، ۱۶-۱۵ و ۱۸) برای اعتبار بیشتر رابطه و اتکای بیشتر بر نتایج، متغیرهای

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

علائم اختصاری	متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
AbnProdCost	هزینه‌های تولید غیرعادی	۰/۱۸۵	۰/۱۷۳	۰/۰۰۱	۰/۹۴۵	۰/۲۲۱
AbnDisExp	هزینه‌های اختیاری غیرعادی	۰/۰۳۰	۰/۰۲۹	۰/۰۰۰	۰/۳۸۲	۰/۰۳۶
AbnDisCFO	جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی	۰/۱۳۳	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۸۱۴	۰/۱۵۴
AUD_TEN	دوره تصدی حسابرس	۳/۵۲۱	۳/۳۲۵	۱	۹	۰/۳۵۳
SIZE	اندازه شرکت	۱۱/۹۱	۱۱/۸۶	۱۰/۷۷	۱۳/۹۳	۰/۵۸۸
MBV	فرصت‌های رشد	۱/۷۲۴	۱/۱۵۳	۰/۰۶۷	۸/۸۸۸	۱/۰۲۲
LEV	اهرم مالی	۰/۵۵۴	۰/۵۷۴	۰/۱۰۳	۰/۹۳۲	۰/۱۷۵
OC	چرخه عملیاتی	۲/۱۶۱	۲/۱۶۹	۰/۳۷۹	۱/۱۵۲	۳/۹۹۰
CFO	جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۱۷۱	۰/۱۵۴	(۰/۳۲۶)	۰/۸۳۸	۰/۱۹۸

نرمال توزیع شده است. با در نظر گرفتن این فرض، برآوردکننده‌ها نیز به‌طور نرمال توزیع می‌شود. با توجه به نقش قطعی آزمون‌های تشخیص در تجزیه و تحلیل نتایج، انجام آزمون‌هایی به منظور تأیید فرض نرمال بودن از اهمیت زیادی برخوردار است. در پژوهش حاضر برای آزمون نرمال بودن جملات اخلال از آماره جارک - برا استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر بر نرمال بودن توزیع جملات اخلال، دلالت دارد. بنابراین، اگر مقادیر محاسبه شده از مقدار بحرانی جدول کای دو بزرگ‌تر باشد، نرمال بودن توزیع جملات اخلال، رد می‌شود. سطح معناداری آزمون جارک - برا برای شاخص‌های هزینه‌های تولید غیرعادی، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی، به ترتیب، برابر با ۰/۴۲۶، ۰/۴۸۸، و ۰/۵۵۳ است (جدول شماره ۲) که نشان می‌دهد، فرضیه صفر که نرمال بودن شاخص‌های متغیر وابسته را تأیید می‌کند در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. بنابراین، شاخص‌های هزینه‌های تولید غیرعادی، هزینه‌های اختیاری غیرعادی و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی دارای

میانگین و کم‌ترین پراکندگی را در بین متغیرهای مورد مطالعه به خود اختصاص داده است؛ این نتیجه، نشان می‌دهد که مدیریت هزینه‌های اختیاری به‌وسیله شرکت‌های دارویی برای اعمال مدیریت سود واقعی پایین است. میانگین و انحراف معیار متغیر جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی، به ترتیب، ۰/۱۳۳ و ۰/۱۵۴ است. این نتیجه حاکی از آن است که به‌طور میانگین جریان‌های نقد عملیاتی شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به اندازه ۱۵ درصد دارایی‌های دوره جاری از سطح تولید مورد انتظار انحراف دارد.

میانگین دوره تصدی حسابرس حدود ۳/۵ سال است. افزون بر این، بیشینه دوره تصدی حسابرس با عدد ۹ نشان داده شده است. این نتیجه به این معنا است که برخی از شرکت‌ها با وجود الزام قانونی هنوز به روابط درازمدت خود با حسابرسان ادامه می‌دهند. در بین متغیرهای پژوهش، متغیر چرخه عملیاتی بیشترین پراکندگی را در بین متغیرهای کنترلی دارد. فرض مهم در الگوی رگرسیون خطی کلاسیک این است که متغیر وابسته یا جملات خطا، به‌طور

توزیع نرمال است.

فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد بوده و بر استفاده از روش اثرات ثابت دلالت دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

گام اول: تشخیص همگن یا ناهمگن بودن داده‌ها با استفاده از آزمون لیمر (چاو).

در آزمون لیمر، فرضیه H_0 یعنی استفاده از روش داده‌های تلفیقی در مقابل فرضیه H_1 یعنی استفاده از روش داده‌های ترکیبی، قرار دارد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (جدول شماره ۳)، نتیجه این آزمون بیانگر این مطلب است که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده و استفاده از روش‌های داده‌های ترکیبی برای هر ۳ رابطه مناسب‌تر است.

گام دوم: پس از آن که آزمون لیمر در گام اول نشان داد که استفاده از روش داده‌های ترکیبی مناسب است، در گام دوم آزمون هاسمن انجام شد. در این آزمون در صورت پذیرفته شدن H_0 از رابطه اثرات تصادفی و در صورت پذیرفته شدن H_1 از رابطه اثرات ثابت استفاده می‌شود. خلاصه نتایج آزمون هاسمن به شرح جدول شماره ۴ ارائه شده است.

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، مقدار آماره کای دو برای تمام رابطه‌ها معنادار است و سطح معناداری گزارش شده برای هر سه رابطه کمتر از ۰/۰۵ است. این نتیجه، بیانگر رد

آزمون پایانی متغیرهای پژوهش

قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، پایایی متغیرهای پژوهش بررسی می‌شود. به این منظور، از آزمون لوین، لین و چو؛ آزمون ایم، پسران و شین و آزمون دیکی-فولر استفاده شده است که نتایج بیانگر پایا بودن متغیرها است. این نتیجه به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است و در نتیجه، استفاده از این متغیرها در رابطه باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری بین دوره تصدی حسابرس و هزینه‌های تولید غیرعادی وجود دارد. به این ترتیب، روابط درازمدت بین حسابرس و صاحبکار موجب می‌شود که مدیریت شرکت برای مدیریت هزینه‌های تولید انگیزه داشته باشد. تولید

جدول ۲: آزمون نرمال بودن (جارتک - برا)

متغیر	سطح معناداری	آماره جارتک - برا
AbnProdCost	۰/۴۲۶	۱/۶۵۶
AbnDisExp	۰/۴۸۸	۱/۴۸۹
AbnDisCFO	۰/۵۵۳	۱/۲۲۶

جدول ۳: نتایج آزمون لیمر (همسانی عرض از مبدأ مقاطع)

فرضیه صفر (H_0)	آزمون	آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ تمامی مقاطع با هم یکسان است	رابطه فرضیه اول	۱/۸۵۲	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
	رابطه فرضیه دوم	۱/۷۶۲	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود
	رابطه فرضیه سوم	۱/۷۸۲	۰/۰۰۰	فرض H_0 رد می‌شود

جدول ۴: نتایج آزمون هاسمن (انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی)

فرضیه صفر (H_0)	آزمون	آماره کای دو	سطح معناداری	نتیجه آزمون
تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست	رابطه فرضیه اول	۳۲/۶۱۵	۰/۰۰۰	فرض H_1 پذیرفته می‌شود
	رابطه فرضیه دوم	۳۶/۵۱۲	۰/۰۰۰	فرض H_1 پذیرفته می‌شود
	رابطه فرضیه سوم	۲۸/۳۲۶	۰/۰۰۰	فرض H_1 پذیرفته می‌شود

جدول ۵: آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آزمون لاین و چو آماره t	آزمون ایم، پسران و آزمون دیکی- فولر آماره W	آماره W	آماره W
REM (AbnProdCost)	آماره مربوط معناداری	(۲۷/۱۲)	(۱۴/۵۱)	۱۳۵/۴۶ ۰/۰۰۰
REM (AbnDisExp)	آماره مربوط معناداری	(۳۸/۳۴)	(۱۷/۴۳)	۱۱۸/۲۵ ۰/۰۰۰
REM (AbnDisCFO)	آماره مربوط معناداری	(۵۸/۷۴)	(۳۲/۴۶)	۱۴۲/۲۷ ۰/۰۰۰
SIZE	آماره مربوط معناداری	(۸۷/۶۲)	(۵۳/۴۱)	۱۵۷/۴۳ ۰/۰۰۰
MBV	آماره مربوط معناداری	(۴۲/۷۳)	(۲۶/۵۱)	۱۱۳/۳۳ ۰/۰۰۰
LEV	آماره مربوط معناداری	(۲۷/۶۵)	(۱۲/۸۶)	۱۱۱/۳۸ ۰/۰۰۰
OC	آماره مربوط معناداری	(۵۳/۴۴)	(۲۳/۲۶)	۱۳۹/۱۴ ۰/۰۰۰
CFO	آماره مربوط معناداری	(۷۷/۳۵)	(۳۶/۰۸)	۱۳۳/۲۶ ۰/۰۰۰

شده کالای فروش رفته دوره جاری تخصیص می‌دهد. در نتیجه، موجب می‌شود که شرکت حاشیه

بیش از اندازه به‌طور مؤثری، هزینه سربار بیشتری به موجودی کالا و هزینه سربار کم‌تری به بهای تمام

سود بهتری را گزارش کند. آماره t برابر با $3/292$ و سطح معناداری آن برابر با $0/001$ است. بنابراین، در سطح خطای 1 درصد معنادار است. همچنین، آماره دوربین واتسون بیانگر نبود خود همبستگی بین جملات خطا در معادله رگرسیون است. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که حدود $0/336$ از تغییرات متغیر وابسته (هزینه های تولید غیرعادی) به وسیله متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرس) و متغیرهای کنترلی قابل تبیین است. همچنین، سطح معناداری آماره F نشان می دهد که کل رابطه معنادار است.

نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

همان طور که نتایج مندرج در جدول شماره 7 نشان می دهد، رابطه مثبت و معناداری بین دوره تصدی حسابرس و هزینه های اختیاری غیرعادی وجود دارد. به این ترتیب، روابط درازمدت بین حسابرس و صاحبکار موجب می شود که مدیریت شرکت برای مدیریت هزینه های اختیاری انگیزه داشته باشد.

هزینه های اختیاری نظیر مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و تعمیر و نگهداری معمولاً در دوره تحمل، گزارش می شود. از این رو، مدیران شرکت ها می توانند از طریق کاهش هزینه های اختیاری، هزینه های گزارش شده را کاهش و سود را افزایش دهند. این روش زمانی امکان پذیر است که چنین هزینه هایی بلافاصله ایجاد در آمد نکند. بنابراین، نتایج نشان می دهد که اتخاذ چنین رویکردی با افزایش روابط درازمدت حسابرس و صاحبکار تشدید می شود. آماره t برابر با $3/497$ و سطح معناداری آن برابر با $0/001$ است. بنابراین، در سطح خطای 1 درصد معنادار است. همچنین، آماره دوربین واتسون بیانگر نبود خود همبستگی بین جملات خطا در معادله رگرسیون است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که حدود $0/287$ از تغییرات متغیر وابسته (هزینه های اختیاری غیرعادی) به وسیله متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرس) و متغیرهای کنترلی قابل تبیین است. همچنین، سطح معناداری آماره F نشان

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

$$AbnProdCost_{it} = B_0 + B_1 AUD_TEN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MBV_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 OC_{it} + \beta_6 CFO_{it} + e_{it}$$

متغیر وابسته: هزینه های تولید غیرعادی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		سطح معناداری
	ضریب	میزان خطا	
ضریب ثابت	$(0/309)$	$0/184$	$0/093$
AUD_TEN	$0/014$	$0/004$	$0/001$
SIZE	$(0/046)$	$0/014$	$0/001$
MBV	$(0/011)$	$0/006$	$0/073$
LEV	$0/101$	$0/042$	$0/018$
OC	$0/072$	$0/023$	$0/002$
CFO	$(0/161)$	$0/048$	$0/001$
	ضریب تعیین تعدیل شده = $0/336$	آماره $F = 0/000$	
	آماره دوربین واتسون = $1/758$	احتمال آماره $F = 16/739$	

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

$$\text{AbnDisExp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{AUD_TEN}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{MBV}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it} + \beta_5 \text{OC}_{it} + \beta_6 \text{CFO}_{it} + e_{it}$$

متغیر وابسته: هزینه‌های اختیاری غیرعادی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		سطح معناداری
	ضریب	میزان خطا	
ضریب ثابت	۰/۱۳۳	۰/۰۴۰	۳/۳۶۱
AUD_TEN	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۳/۴۹۷
SIZE	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۳/۹۸۸
MBV	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۳/۲۲۴
LEV	(۰/۰۱۱)	۰/۰۰۹	(۱/۱۶۸)
OC	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۷۴۱
CFO	(۰/۰۲۳)	۰/۰۱۰	(۲/۲۰۱)

ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۸۷
 آماره دورین واتسون = ۲/۰۰۶
 آماره F = ۰/۰۰۰
 احتمال آماره F = ۱۲/۴۷۸

می‌دهد که کل رابطه معنادار است.

می‌دهد. آماره t برابر با ۲/۷۲۲ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۷ است. بنابراین، در سطح خطای ۱ درصد معنادار است. همچنین، آماره دورین واتسون بیانگر نبود خود همبستگی بین جملات خطا در معادله رگرسیون است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که حدود ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی) به وسیله متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرِس) و متغیرهای کنترلی قابل تبیین است. سطح معناداری آماره F نشان می‌دهد که کل رابطه معنادار است.

آزمون تفاوت معنادار

به منظور بررسی این که رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و شاخص‌های مدیریت سود واقعی در کدام یک از سطوح، تفاوت معناداری دارد از آزمون پترنوستر استفاده شده است. به این ترتیب، فرضیه‌های پژوهش دو به دو مقایسه شده تا مشخص شود که آیا

آزمون فرضیه فرعی سوم

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول شماره ۸، نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری بین دوره تصدی حسابرِس و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی وجود دارد. به این ترتیب، روابط درازمدت بین حسابرِس و صاحبکار موجب می‌شود که مدیریت شرکت برای مدیریت جریان‌های نقد عملیاتی انگیزه داشته باشد. در حقیقت، مدیران می‌توانند از طریق ارائه تخفیفات قیمتی و یا در نظر گرفتن دوره اعتبار درازمدت‌تر برای فروش محصولات خود، شاهد افزایش موقت فروش و به دنبال آن افزایش سود شرکت باشند. مدیران با این روش، فروش و در نتیجه سود سال مالی بعد را به دوره جاری منتقل می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اتخاذ چنین رویکردی با افزایش دوره تصدی حسابرِس رخ

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم

$$AbnDisCFO_{it} = B_0 + B_1 AUD_TEN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MBV_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 OC_{it} + \beta_6 CFO_{it} + e_{it}$$

متغیر وابسته: جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		سطح معناداری
	ضریب	میزان خطا	
ضریب ثابت	(۰/۵۸۶)	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰
AUD_TEN	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۷
SIZE	۰/۰۴۶	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰
MBV	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۴۰۰
LEV	(۰/۱۵۳)	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰
OC	۰/۰۷۰	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰
CFO	۰/۰۸۱	۰/۰۳۵	۰/۰۲۰

ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۴۱
 آماره دورین واتسون = ۱/۹۴۱
 آماره F = ۰/۰۰۰
 احتمال آماره F = ۲۰/۵۲۷

جدول ۹: نتایج آزمون تفاوت معنادار پترنوستر

نتیجه	آماره t	آزمون تفاوت معنادار بین فرضیه‌های پژوهش
تأیید می‌شود	۲/۶۸۲	رابطه بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های تولید غیرعادی متفاوت از رابطه آن با هزینه‌های اختیاری غیرعادی است.
رد می‌شود	۰/۳۳۳	رابطه بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های تولید غیرعادی متفاوت از رابطه آن با جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی است.
رد می‌شود	۱/۲۰۰	رابطه بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های اختیاری غیرعادی متفاوت از رابطه آن با جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی است.

مدیریت هزینه‌های اختیاری دنبال می‌کنند.

دوره تصدی حسابرِس در سطوح مختلف مدیریت سود واقعی تفاوت معناداری با یکدیگر دارد. نتایج مندرج در جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنی که شدت رابطه دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی متفاوت است. نتایج بدست آمده با آمار توصیفی مطابقت دارد. به نظر می‌رسد آثار مخرب مدیریت هزینه‌های تولید، متفاوت از مدیریت هزینه‌های اختیاری است؛ بنابراین، مدیران هدف‌های متفاوتی را از مدیریت هزینه‌های تولید نسبت به

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، تعداد ۲۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۱ انتخاب شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرِس و

هزینه‌های تولید غیرعادی رابطه مثبتی وجود دارد. به این معنا که افزایش روابط درازمدت حسابرِس و صاحبکار با مدیریت هزینه‌های تولید همراه است. نتایج فرضیه فرعی دوم نشان می‌دهد که رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و هزینه‌های اختیاری غیرعادی، مثبت و معنادار است. یعنی، افزایش دوره تصدی حسابرِس با مدیریت هزینه‌های اختیاری همراه است. سرانجام، آزمون فرضیه فرعی سوم نشان داد که بین دوره تصدی حسابرِس و جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این ترتیب، می‌توان بیان کرد که مدیریت فعالیت‌های واقعی از طریق تولید بیش از اندازه از طرفی سبب ایجاد تغییرات غیرعادی در موجودی کالا می‌شود و از طرف دیگر به ایجاد هزینه تولید غیرعادی منجر می‌شود. تولید بیش از اندازه با کاهش هزینه ثابت تخصیص‌یافته به محصولات، هزینه تولید را کاهش و حاشیه سود را افزایش می‌دهد اما با تولید بیش از اندازه، شرکت متحمل هزینه‌های تولید و نگهداری اضافی می‌شود که این هزینه‌ها از طریق فروش دوره جاری قابل بازیافت نیست. این موضوع سبب ایجاد جریان‌های نقد عملیاتی کمتر از سطح عادی (جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی) می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بروز چنین عواملی با افزایش دوره تصدی حسابرِس همراه است.

به‌منظور بررسی این که دوره تصدی حسابرِس تفاوت معناداری با سطوح مختلف مدیریت سود دارد از آزمون پترنوستر استفاده شد و نتایج نشان داد که رابطه بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه‌های تولید غیرعادی متفاوت از رابطه آن با هزینه‌های اختیاری غیرعادی است.

از آنجا که تاکنون پژوهشی در زمینه تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت سود واقعی انجام نشده است، سازگاری یا ناسازگاری نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این زمینه مشخص نیست اما برخی از پژوهشگران تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت اقلام تعهدی (مدیریت سود) را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به این که مدیریت اقلام تعهدی نوعی مدیریت سود محسوب می‌شود؛ بنابراین، سازگاری یا ناسازگاری نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت اقلام تعهدی بررسی شده است. در این ارتباط، نتایج این پژوهش مطابق یافته‌های دیویس و همکاران (۶)، چین و هو (۷)، کیم و همکاران (۸)، جنین و پیوت (۲۴)، لیو و همکاران (۲۸)، کرمی و همکاران (۳۱)، بزرگ اصل و شایسته‌مند (۳۳) و کاشانی‌پور و همکاران (۳۵) است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با افزایش روابط درازمدت بین حسابرِس و صاحبکار، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد. در حالی که نتایج این پژوهش با یافته‌های میرز و همکاران (۴) سازگار نیست. آنان بیان می‌کنند که روابط درازمدت بین حسابرِس و صاحبکار موجب کاهش مدیریت اقلام تعهدی اختیاری می‌شود. در نتیجه، نتایج پژوهش میرز و همکاران (۴) از فرضیه تغییر اجباری حسابرِس تبعیت نمی‌کند؛ زیرا، نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که افزایش دوره تصدی حسابرِس منجر به شناخت کامل از فرایندهای شرکت خواهد شد.

با توجه به تأثیر مثبت دوره تصدی حسابرِس بر مدیریت سود واقعی به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود با استفاده از راهکارهای عملی

حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۵/۸ روابط درازمدت خود را با حسابرسان حفظ می کنند. هم چنین، با توجه به این که صنعت دارو یکی از صنایع مهم در کشور محسوب می شود و با نظام سلامت کشور رابطه دارد، لازم است کمیته بورس اوراق بهادار اهتمام بیشتری برای اجرای دقیق این دستورالعمل در این صنعت داشته باشد.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود که به اندازه گیری و بررسی دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود واقعی با استفاده از سایر شاخص های مدیریت سود واقعی پردازند. هم چنین، وضعیت دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود واقعی در صنایع مختلف پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دهند.

شرکت ها را ملزم به اجرای دقیق دستورالعمل اجرایی در راستای محدود کردن دوره تصدی حسابرس کند. به نظر می رسد برخی از شرکت ها این دستورالعمل اجرایی را نادیده می گیرند و همچنان به روابط درازمدت خود با حسابرسان ادامه می دهند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که ادامه چنین روابط درازمدتی آسیب های جبران نشدنی به فعالیت های شرکت می زند که سرانجام ممکن است ضرر و زیان سهامداران و سرمایه گذاران را به دنبال داشته باشد و از این طریق منجر به کاهش ارزش شرکت شود. هم چنین، به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود که در انجام سرمایه گذاری های خود به پدیده دوره تصدی حسابرس توجه داشته باشند، زیرا برخی از شرکت ها کماکان با وجود دستورالعمل اجرایی مؤسسه های

References

- 1 Jenkinz, D. S. and U. Velury (2008). "Does Auditor Tenure Influence the Reporting of Conservative Earnings?", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 27, pp.115-132.
- 2 American Institute of Certified Public Accountants SEC Practice Section (1992). *Statement of Position Regarding Mandatory Rotation of Audit Firms of Publicly Held Companies*, AICPA, New York, NY.
- 3 Brody, R. G. and S. A. Moscovice (1998). "Mandatory Auditor Rotation", *The National Public Accountant*, Vol. 43, pp. 32-35.
- 4 Myers, J.; Myers, L.; and T. Omer (2003). "Exploring the Term of the Auditor-Client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *The Accounting Review*, Vol. 78, pp. 779-799.
- 5 Jenkins, D. S. and T. E. Vermeer (2013). "Audit Firm Rotation and Audit Quality: Evidence from Academic Research", *Accounting Research Journal*, Vol. 26, pp.75-84.
- 6 Davis, L.; Soo, B.; and G. Trompeter (2009). "Auditor Tenure and the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 26, pp. 517-548.
- 7 Chi, L. and J. Ho (2010). "Audit Tenure and Earnings Surprise Management", *Review of Accounting and Finance*, Vol. 9, pp. 116-138.
- 8 Kim, J. M.; Chung, K.; and H. Cheong (2004). "Selective Auditor Rotation and Earnings Management: Evidence from Korea", *Working Paper, Available*

- at: <http://ssrn.com/abstract=560522>. [Online] [24 May 2014].
- 9 Chi, W. and H. Huang (2005). "Discretionary Accruals, Audit-Firm Tenure and Audit-Partner Tenure: Empirical Evidence from Taiwan", *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, Vol. 1, pp. 65-92.
 - 10 Arel, B. R. G.; Brody, R. G.; and K. Pany (2005). "Audit Firm Rotation and Audit Quality", *The CPA Journal*, Vol. 75, pp. 36-39.
 - 11 Geiger, M. A. and K. Raghunandan (2002). "Auditor Tenure and Audit Reporting Failures", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 21, pp. 67-78.
 - 12 Gunny, K. (2010). "The Relation between Earnings Management Using Real Activities Manipulation and Future Performance: Evidence from Meeting Earnings Benchmarks", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27, pp. 855-888.
 - 13 Zhao, Y.; Chen, K. H.; Zhang, Y.; and M. Davis (2012). "Takeover Protection and Managerial Myopia: Evidence from Real Earnings Management", *Journal of Accounting Public Policy*, Vol. 31, pp. 109-135.
 - 14 Graham, J. R.; Harvey, C. R.; and S. Rajgopal (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 40, pp. 3-73.
 - 15 Cohen, D.; Dey, A.; and T. Lys (2008). "Real and Accrual-Based Earnings Management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley Periods", *The Accounting Review*, Vol. 83, pp. 757-787.
 - 16 Roychowdhury, S. (2006). "Earnings Management through Real Activities Manipulation", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, pp. 335-370.
 - 17 Dechow, P. M.; Sloan, R. G.; and A. P. Sweeney (1996). "Causes and Consequences of Earnings Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 13, pp. 1-36.
 - 18 Cohen, D. A. and P. Zarowin (2010). "Accrual-Based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, pp. 2-19.
 - 19 Baber, W.; Fairfield, P.; and J. Haggard (1991). "The Effect of Concern about Reported Income on Discretionary Spending Decisions: The Case of Research and Development", *The Accounting Review*, Vol. 66, pp. 818-829.
 - 20 Bushee, B. (1998). "The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior", *The Accounting Review*, Vol. 73, pp. 305-333.
 - 21 Bartov, E. (1993). "The Timing of Asset Sales and Earnings Manipulation". *The Accounting Review*, Vol. 68, pp. 840-855.
 - 22 Cheng, S. (2004). "R&D Expenditures and CEO Compensation", *The Accounting Review*, Vol. 79, pp. 305-328.
 - 23 Bens, D.; Nagar, V.; and M. Wong (2002). "Real Investment Implications of Employee Stock Option Exercises", *Journal of Accounting Research*, Vol. 40, pp. 359-406.
 - 24 Janin, R. and C. Piot (2007). "External Auditors, Audit Committees and Earnings Management in France", *European Accounting Review*, Vol. 16, pp. 429-54.
 - 25 Caramanis, C. and C. Lennox (2008). "Audit Effort and Earnings Management", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 45, pp. 116-138.
 - 26 Thuneibat, A. A.; Issa, R. T.; and R. A. Baker (2011). "Do Audit Tenure

- and Firm Size Contribute to Audit Quality? Empirical Evidence from Jordan”, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 26, pp. 317-334.
- 27 Tsipouridou, M. and C. Spathis (2012). “Earnings Management and the Role of Auditors in an Unusual IFRS Context: The Case of Greece”, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 21, pp. 62-78.
- 28 Liu, G.; Zhou, Y.; and B. Zhou (2013). “Impacts of Audit Tenure on Earning Managing in China: Based on the Perspective of Corporate Governance”, *International Conference on Business Computing and Global Informatization, 13 to 15 September, Changsha, China*, pp. 622-625.
- 29 Diaz, B. G.; Fernandez, R. G.; and A. L. Diaz (2014). “Auditor Tenure and Audit Quality in Spanish State-Owned Foundations”, *Spanish Accounting Review, Working Paper. Available at: www.elsevier.es/rcsar*, [Online] [5 May 2014]
- 30 Sun, J.; Lan, G.; and G. Liu (2014). “Independent Audit Committee Characteristics and Real Earnings Management”, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 29, pp.153-172.
- 31 Karami, Gh.; Bazrafashan, A.; and A. Mohammadi (2012). “Studying the Relationship between Auditor Tenure and Earnings Management”, *Journal of Accounting Knowledge*, Vol. 2, pp 65- 82. [In Persian]
- 32 Namazi, M.; Bayazidi, A.; and S. Jabbarzadeh Kangarloyi (2011). “Studying the Relationship between Audit Quality and Earnings Management of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange”, *Accounting and Audit Research*, Vol. 3, pp. 1-18. [In Persian]
- 33 Bozorg Asl, M. and H. R. Shayestemand (2013). “The Relationship between Auditor Tenure and Earnings Management”, *Quarterly Journal of Securities Exchange*, Vol. 4, pp. 213-223. [In Persian]
- 34 Azizkhani, M. and A. Safarvandi (2012). “Investigating the Effects of Auditor Tenure on the Error of Forecasted Earnings of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange”, *The Iranian Accounting and Auditing Review*, Vol. 19, pp. 61-71. [In Persian]
- 35 Kashanipour, M.; Meranjouri, M.; and S. M. Moshashaie (2012). “The Relationship between Auditor Tenure and Discretionary Promissory Items”, *The 10th Iranian National Accounting Conference, Alzahra University, 24 and 25 May*. pp. 85-100. [In Persian]
- 36 Alavi Tabari, S. H. and A. Bazrafshan (2013). “Earnings Quality: Some Evidence of the Role of Auditor Tenure and Industry Specialization”, *Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, Vol. 2, pp. 91-101. [In Persian]
- 37 Dadashi, E.; Asghari, M.; Zarei, S.; and M. Jafari Baie (2013). “Examining the Effect of Capital Structure and Financing on the Technical Efficiency of the Pharmaceutical Companies Listed on Tehran Stock Exchange”, *Journal of Health Accounting*, Vol. 2, No. 1, Issue. 3, pp. 1-19. [In Persian]
- 38 Salehi, M.; Valipour, H.; and F. Akhtarshenas (2013). “Examining the Effect of Audit Report on Financing (Borrowings from Banks) the Pharmaceutical Companies listed on Tehran Stock Exchange”, *Journal of Health Accounting*, Vol. 2, No. 1, pp. 35-56. [In Persian]